

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.1.4.4

The lexical stylistics of "promise" in Meccan and Medinan Chapters (Surahs)

(Received: 2020-08-02 Accepted: 2020-10-31)

Mahdi Arianfar¹, Ali Ahang²

Abstract:

One of the stylistic layers is the lexical layer. The effective choice of words and their placement in Meccan and Medinan Chapters is a stylistic strategy that opens a new horizon in the expression of divine cognitions in the Qur'anic discourse. On the other hand, nowadays the most important topics that are researched in the field of Quranic history is the discussion of the Meccan and Medinan nature of the verses and chapters of the Holy Quran. The analysis and study of Meccan and Medinan chapters is related to issues such as the course of the Prophetic invitation and the cultural and social conditions of the society of the time of the Prophet (PBUH). So that in this context, the steps taken by the Prophet in the universal call of Islam can be identified. Based on this, the lexical stylistics of divine promises in the verses and chapters of Mecca and Medina was examined, considering that one of the ways of God's guidance in the Holy Qur'an is to express various promises to encourage or warn human beings. In the meantime, Meccan chapters had a greater share of divine promises, which is more about the certainty of the Resurrection and Resurrection. While in Medinan chapters, the words of promise are mentioned with less frequency, which is more about the believers and the pious. The present research has been collected by descriptive analytical and library method.

Keywords: Stylistics, lexical layer, Holy Quran, Divine promise, Meccan chapters, Medinan chapters, threat

1) Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Holy Quran Science and Education University, Bojnord, Iran (The Corresponding Author) Email: arianfar@quran.ac.ir

2) Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Holy Quran Science and Education University, Bojnord, Iran Email: ahang@quran.ac.ir





DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.1.4.4

سبک‌شناسی واژگانی «وعد» در سوره مکی و مدنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

مهدی آریان فر^۱، علی آهنگ^۲

چکیده

یکی از لایه های سبک شناسی لایه واژگانی است انتخاب تاثیر گذار واژگان و جای گیری آنها در سوره مکی و مدنی راهبردی سبک شناختی است که در گفتمان قرآنی افق جدیدی را در بیان معارف الهی می گشاید.

از سویی دیگر مهمترین موضوعاتی که امروزه در زمینه تاریخ قرآن مورد پژوهش قرار می گیرد بحث مکی و مدنی بودن آیات و سوره قرآن کریم است. تحلیل و بررسی سوره مکی و مدنی با موضوعاتی از قبیل سیر دعوت نبوی و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه عصر پیامبر(ص) در ارتباط می باشد بطوری که در این بستر می توان گام هایی را که پیامبر در دعوت فراگیر اسلام برداشته شناسایی کرد. بر این اساس سبک شناسی واژگان وعده های الهی در آیات و سوره مکی و مدنی با در نظر گرفتن این نکته که یکی از شیوه های هدایتی خداوند در قرآن کریم بیان وعده های گوناگون جهت ترغیب یا هشدار به انسانهاست، مورد بررسی قرار گرفت که در این میان سوره مکی سهم بیشتری از وعده های الهی را داشته که بیشتر در مورد قطعی بودن قیامت و معاد است در حالی که در سوره مدنی واژگان وعده با بسامد کمتری ذکر شده که بیشتر در مورد مومنان و متقین است. این تحقیق به روش تحلیلی توصیفی و با شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است.

کلید واژه: سبک شناسی، لایه واژگانی، قرآن کریم، وعده الهی، سوره مکی، سورمدنی، وعید

سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

(۱) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: ariyanfar@quran.ac.ir
(۲) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، بجنورد، ایران ایمیل: ahang@quran.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

سبک‌شناسی لایه‌های مختلفی دارد که عبارت‌اند از: لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۳۸-۲۴۱) با توجه به اینکه یکی از لایه‌های سبک‌شناسی لایه واژگانی است به نظر می‌رسد انتخاب تأثیرگذار واژگان و جای‌گیری آن‌ها در سور مکی و مدنی راهبردی سبک‌شناختی است که در گفتمان قرآنی افق جدیدی را در بیان معارف الهی می‌گشاید.

از سوی دیگر یکی از مباحث مهم علوم قرآنی شناخت آیات و سور مکی و مدنی است. بررسی آن‌ها می‌تواند بسیاری از مسائل مورد اختلاف و ادعاها را مهر تأیید زند یا رد کند. همچنین این علم ارتباطی مستقیم و اساسی با تشخیص مراحل دعوت پیامبر (ص)، تشریح و تبیین احکام اسلامی دارد.

حل و فصل بسیاری از مسائل دیگر مانند مسئله نسخ یا تدریجی بودن نزول قرآن و ... نیز به کمک این بحث (مکی و مدنی) امکان‌پذیر است؛ اما مهم‌ترین نکته این است که دانش شناخت مکی و مدنی، کمک می‌کند تا شیوه‌های دعوت پیامبر در دو جامعه متفاوت مکی و مدنی بازشناسی شود. پیامبر (ص) در مسیر دعوت از ابزارهای تربیتی مختلفی استفاده می‌کرد که یکی از آن‌ها بیان وعده‌های الهی است. به دلیل اینکه انسان همواره چشم به آینده می‌دوزد و امیدواری عامل محرک انسان است؛ طرح وعده‌های راستین موجب تأثیرگذاری بر رفتار و کردار انسان می‌گردد. بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به مخاطبان پیامبر اکرم (ص) سبک بیان وعده‌های الهی چه از جهت کمی و چه از جهت محتوایی در مکه و مدینه متفاوت باشد.

لذا سبک‌شناسی وعده‌های سور مکی و مدنی به صورت جداگانه و مقایسه و تطبیق آن‌ها در جهت فهم بهتر سیر دعوت پیامبر (ص) ضروری می‌نماید. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که واژگان وعده و وعید در سور مکی و مدنی از چه سبکی برخوردارند؟ و تحلیل واژگانی وعده‌های الهی از بعد معرفتی چه نکاتی در اختیار ما قرار می‌دهد؟

گرچه در مورد وعده و سبک‌شناختی قرآن کریم پژوهش‌های متعددی سامان یافته است؛ اما با این رویکرد یعنی تطبیق سبک‌شناسی واژگان وعده در سور مکی و مدنی هیچ‌گونه مطالعه نظام‌مندی صورت نپذیرفته است.

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به گستردگی آیات حاوی وعده‌ها، در این تحقیق صرفاً آیات دربردارنده واژه «وعده» و مشتقات آن مدنظر قرار گرفته شده و از بیان وعده‌هایی که در قالب اوامر و نواهی، سنت‌ها و ... آمده خودداری شده است.

۲. سبک‌شناسی

سبک در زبان عربی به معنای گداختن و به قالب ریختن زر و نقره است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰، ۴۳۸) در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. (بهار، ۱۳۹۱: هجده) هر متن نوشتاری یا سخن گفتاری ترکیبی از سلسله واژگانی و آواهاست که هم‌نشینی آن‌ها در ساختار کلام صورت نهایی متن و سخن را شکل می‌دهد. «به‌طور کلی می‌توان گفت سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۴) بین ذهن و زبان ارتباط مستقیمی وجود دارد و تفکر انسان بیشتر در زبان نمود پیدا کرده و جلوه‌گر می‌شود؛ شاید از همین رو خداوند بیان و نطق را اولین ویژگی انسان پس از خلقت می‌شمارد آنجایی که می‌فرماید: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن ۳/۴) همچنین تعریف انسان به حیوان ناطق از همین جا نشئت گرفته است. پس می‌توان گفت زبان، نماینده فکر و ذهن است و با تحلیل زبان می‌توان به تفکر فرد رسید. همان‌طور که تفکر انسان‌ها متفاوت است نوع کارکرد زبانی و مشخصه‌های آن میان افراد انسانی متفاوت خواهد بود؛ بنابراین در سبک‌شناسی خواننده از متن به نویسنده و ماتن می‌رسد.

برای تحلیل اجزای متن و تحقق سبک‌شناسی باید سطوح مختلفی را پیگیری نمود؛ در سطح زبانی لایه‌های مختلفی از جمله لایه آوایی، واژگانی و نحوی وجود دارد. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۵۵) در لایه لغوی و واژگانی هر نوع کارکرد واژگانی مدنظر قرار می‌گیرد. بسامد واژه، گزینش واژه، هم‌نشینی واژه و وسعت یا قلت واژه در چارچوبی خاص، می‌تواند در سبک‌شناسی لغوی اثر تأثیرگذار باشد. «مفردات و واژگان بکار رفته در ساختار یک اثر ادبی و تعیین عناصر سبکی اهمیت ویژه‌ای در کشف معیارهای زبان و شاخصه‌های آن دارد.» (فضل، ۱۹۹۸: ۲۹) نوع انتخاب واژگان و نحوه چینش به همراه سایر مشخصه‌های زبانی تنوع گفتار و نوشتار را شکل می‌دهد. و سبک محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است. نویسندگان برای یک معنا از تعابیر و واژگان گوناگونی استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنان متفاوت می‌شود. (طالبیان، ۱۳۷۹: ۱۶) بر اساس آنچه گذشت تحلیل واژگان و عده در چارچوب سور می و مدنی می‌تواند نوعی از سبک‌شناسی واژگانی تلقی گردد.

۳. مفهوم شناسی وعده

و عهد در لغت معنای عهد است و در اصطلاح به معنی تعهد دادن در انجام کاری است خواه آن امر خیر باشد یا شر اختصاص پیدا کردن آن به واسطه قرینه معین می‌شود. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۱۶۲)

۳. ۱. تفاوت وعده با عهد

عهد به وعده‌ای گفته می‌شود که در آن شرط به‌کاربرده باشد و درباره لفظ آن از واژه وفا کردن استفاده می‌شود. ولی درباره وعده از لفظ انجام استفاده می‌گردد. عمل نکردن به وعده، خلف وعده و عمل نکردن به عهد، نقض عهد نام دارد. (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲: ۳۷۹)

۳. ۲. تفاوت وعده و وعید

وعد در وعده خیر و شر بکار می‌رود؛ اما وعید فقط در وعده شر استعمال می‌شود و فرق دیگر بین وعده و وعید این است که خلف وعده قبیح و بر ساحت قدس الهی محال نیست؛ ولی خلف وعید در مواردی نه تنها زشت و قبیح ندارد بلکه نشان‌دهنده حسن خداوند و اظهار کرامت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۵)

۴. معیارهای تشخیص سور مکی و مدنی

ابتدایی‌ترین روش برای شناسایی گونه‌های وعده الهی در ابعاد نظیر لحن، محتوا و انسجام آیات و صنعت کلام شناخت سور و آیات مکی و مدنی است که طبق آماری از قرآن پژوهان به دست آمده آیات قرآن به ترتیب نزول ۸۶ سوره آن مکی و ۲۸ سوره آن مدنی است و همچنین سه معیار اصلی برای تشخیص آیات و سور مکی و مدنی قرار داده‌اند.

۴. ۱. معیار مکان

زمینه شناخت آیات و سور مکی را این‌گونه می‌توان برشمرد هر آیه‌ای که در شهر مکه و پیرامون آن نازل شده باشد، مکی محسوب می‌گردد و هر آنچه از آیات الهی در مدینه و اطراف مدینه نازل شده باشد مدنی به شمار می‌آید ولیکن آنچه از آیات قرآن کریم نه در مکه و نه در مدینه نازل شده باشد، مکی و مدنی به شمار می‌آید. به عنوان مثال آیاتی که در شهر شام نازل گردید، جزء هیچ‌کدام از سور مکی و مدنی با توجه به مقوله‌ی مذکور دسته‌بندی نمی‌شود.

۴. ۲. معیار زمان

بیشتر مفسرین معتقدند که مهم‌ترین معیار مکی و مدنی بودن آیات، معیار زمانی است که بر اساس نزول آیات بعد از هجرت و قبل از هجرت دسته‌بندی شده است؛ بنابراین آیات و سوری که قبل از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه نازل شد آیات مکی به شمار می‌آید و آیات و سوری که بعد از هجرت نازل شده است، مدنی محسوب می‌گردد. البته آیاتی را که بعد از هجرت چه در فتح مکه و یا در حج واجب و عمره نازل شده است از آیات مکی نمی‌توان به شمار آورد.

۴.۳. معیار خطاب

قرآن به عنوان کتاب آسمانی برای هدایت بشر نازل شده است و از خطاب قرار دادن به شکل گسترده‌تری بهره برده است. این موضوع از نظر صنعت کلام تأثیر بیشتری ایجاد می‌کند. نوع گویش خطاب که بستر اجتماعی را فراهم می‌آورد باعث سوق دادن شنونده به گوینده می‌شود. قرآن کتابی است که در کل هنر خطاب‌گرانه دارد و از متکلمان زیادی شامل شخصیت‌های خوب و نیک مثل ابراهیم، موسی، عیسی و شخصیت‌های بدی نظیر شیطان و فرعون نقل قول شده است؛ بنابراین برای شناسایی سوره مکی و مدنی به خطاب آیات توجه می‌شود هر سوره و آیه‌ای که خطاب آن بر مشرکین و کفار باشد سوره مکی به شمار می‌آورد و برعکس هر آیه و سوره‌ای که خطاب مؤمنین باشد جزء سوره مدنی است. (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹: ۶۰۱-۶۰۷؛ معرفت، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۳)

۵. ویژگی‌های آیات و سوره مکی و مدنی

مشخصات برجسته آیات و سوره مکی و مدنی را می‌توان به این شکل بیان کرد: کوتاهی آیات درون یک سوره و نیز کوتاهی سوره نوعاً مکی بودن آن را می‌رساند و بلندی آیه‌های یک سوره علاوه بر بلندی سوره نوعاً مدنی بودن آن را ثابت می‌کند. لحن تند و شدید سوره بیشتر با اهل مکه است که اهل عناد و لجاج و مقاومت در مقابل حق بوده‌اند، ولی لحن ملایم و خفیف، مدنی بودن سوره را می‌رساند که بیشتر خطاب به مؤمنین است.

بحث درباره اصول معارف و اصل ایمان و دعوت به اسلام از ویژگی‌های سوره‌های مکی است و در سوره‌های مدنی بیشتر از تفصیل احکام و بیان شریعت اسلام سخن گفته شده است.

دعوت به پایبند بودن به اخلاق و استقامت در رأی و سلامت عقیده و ترک لجاج و عناد و نیز برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و ناچیز شمردن اندیشه‌های تهی و بی‌اساس آنان، از خصایص سوره‌های مکی به شمار می‌رود؛ درحالی‌که برخورد با اهل کتاب و دعوت آن‌ها به میانه‌روی در عقاید و افکار و اندیشه‌ها و نیز مبارزه با منافقین و ذکر خصایص و صفات آنان از ویژگی‌های سوره مدنی است.

غالباً خطابات با عنوان «یا ایها الناس...» از ویژگی‌های سوره مکی است و با عنوان «یا ایها الذین آمنوا...» از خصایص سوره مدنی است. (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹: ۶۰۱-۶۰۷)

۶. فراوانی واژگانی وعده در سوره مکی و مدنی

واژه وعده و مشتقات آن بطور کلی ۱۵۱ بار طی ۵۱ سوره و ۱۳۰ آیه آمده است که در این میان ۱۱۶ بار طی ۳۸ سوره و ۱۰۱ آیه در سوره مکی و ۳۵ بار طی ۱۳ سوره در ۲۹ آیه در

سور مدنی آمده است. (عبدالباقی، ۱۴۲۵ق: ذیل وعد) نکته قابل توجه اینکه واژه «وعید» در سور مدنی نیامده در حالی که در سور مکی سه مرتبه ذکر شده است. این مطلب بیان‌کننده این است که وعده‌های الهی در سور مکی بیشتر جنبه هشدار دارد برخلاف سور مدنی که فاقد هشدار صریح یا همان وعید است!

۷. تأکید بر حقانیت وعده

بررسی فراوانی آیات وعده با این مضمون که وعده الهی حق است در سور مکی بسیار بیشتر است به طوری که در سور مدنی تنها یک مرتبه بیان می‌دارد: ﴿وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ﴾ (توبه/۱۱۱) در حالی که عبارت «ان وعد الله حق» در سور مکی فراوان ذکر شده است. این مسئله بیانگر دو نکته مهم است: اول اینکه اصولاً اصل وعده و حقانیت و ایمان به آن در زمره اعتقادات اسلامی محسوب شده که سور مکی بیشتر عهده‌دار مباحث اعتقادی است. دوم اینکه: چنانچه در خصوصیات سور مکی گذشت اهل مکه مشرکان و کفار لجوج و متعصبی بودند که به سختی دعوت حق را می‌پذیرفتند در مقابل چنین مخاطبی طبیعی است که پیامبر با جدیت و قاطعیت وعده‌های الهی را مطرح ساخته و بر حقانیت آن تأکید ورزد تا برای آنان باورپذیر شود. در حالی که اهل مدینه در مقابل حق ملایم بوده و از ابتدا دعوت حق را پذیرفته و مؤمن شده بودند. حتی اهل کتاب نیز در اصل حقانیت وعده الهی با توجه به پیشینه آن در شریعت موسی (ع) و عیسی (ع) تردیدی نداشتند. بنابراین در سور مدنی نیازی به این تأکید نبوده است.

این مطلب درباره آیات تخلف ناپذیری وعده الهی نیز صدق می‌کند؛ در آیات مکی دوازده مرتبه عباراتی از قبیل ﴿فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ مُخْلَفًا وَعَدَهُ رَسُولُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (ابراهیم/۴۷) و ﴿وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلَفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم/۶) و ﴿وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلَفُ اللَّهُ الْمِعَادَ﴾ (زمر/۲۰) وجود دارد؛ در حالی که در سور مدنی تنها سه مرتبه عبارت ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلَفُ الْمِعَادَ﴾ (آل عمران/۹؛ رعد/۳۱) و یا شبیه آن ﴿إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ الْمِعَادَ﴾ (آل عمران/۱۹۴) آمده است و مورد چهارم در سوره حج ذکر شده که مکی و مدنی بودن آن اختلافی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۴) این آمار کاملاً با هماهنگی نزول قرآن با محیط مکه و مدینه مطابقت دارد.

۸. وعده‌های اخروی (قیامت و معاد) در سور مکی

بسامد واژگانی وعده و فراوانی آیات وعده در سور مکی مربوط به موضوع اصل معاد و قیامت است.

باتوجه به مسایل استنباط گردیده از قرآن کریم مبنی بر حتمیت و قطعیت وعده‌های خداوند، وجود این فراوانی در موضوع معاد و وقوع قیامت، بیان‌کننده هدفمند بودن خلقت

انسان و نیز عدل خداوند در سرای دنیا و آخرت است. بیشترین و مهم‌ترین وعده‌هایی که خداوند در قرآن برای بندگان ذکر کرده است، وعده‌هایی است که مربوط به مسئله روز جزا و یقینی و قریب الوقوع بودن آن روز شده است. معاد خود بیانگر سیر تکاملی انسان است. انسان با گذر از هر مرحله زندگی یعنی متولد شدن شکم مادر، و عروج از دنیا به برزخ و از حایل بین دنیا و قیامت و رجوع آن به قیامت که در آن روز هم روح و هم جسم است یا به عبارت دیگر آفرینش مجدد انسان است با حوادثی دچار می‌شود که یا به آن رسیده و یا به آن وعده داده شده است و قیامت از همین سنخ است زیرا خداوند بارها بدان وعده داده است. درباره وعده‌های قیامت و معاد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۸.۱. وعده‌های خداوند بر اثبات امکان معاد

پیامبران الهی در دعوت مردم و هنگامی که وعده خدا مبنی بر وقوع عذاب و قیامت را یادآور می‌شدند با این پرسش از جانب مردم منکر معاد مواجه بودند که: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (انبیا/۳۸؛ یونس/۴۸) وعده خدا کی فرا می‌رسد؟ با توجه به آیه شریفه ﴿وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْنَا رِبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ۖ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (کهف/۲۱) «و اینچنین مردم را متوجه حال آن‌ها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آن‌ها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آن‌ها آگاهتر است!» ولی آن‌ها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آن‌ها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).» در زمان اصحاب کهف دو گروه وجود داشتند اولین گروه کسانی بودند که بر امکان معاد شک و تردید داشتند. ولی گروه دوم کسانی بودند که به کلی به وجود و امکان وقوع معاد کافر شده بودند لذا خداوند با زنده کردن مجدد اصحاب کهف و با خبر ساختن مردم از حال آنان که سیصد سال خوابیده‌اند مردم را به سمت آنان سوق داد. آن عده از افرادی که به امکان معاد شک و تردید داشتند به قطعیت و یقین رسیدند و خواستار مسجد بر روی غار شدند تا نسل‌های دیگر نیز از این قصص آگاه شوند؛ اما برعکس گروه منکرین لجاجت خود ادامه دادند و گفتند باید دیواری در جلوی غار بنا نهاد تا مردم و اقوام دیگر از این داستان باخبر نگردند و این رفتار نشأت گرفته از باور اشتباه آنان بود که بر این عقیده بودند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳، ۲۶۴-۲۶۷) نمونه دیگر وعده حقانیت معاد در سوره یونس (آیه ۴) و سوره نحل (آیه ۳۸) مطرح شده است. خداوند وعده معاد را به آن سبب داده است که بر اساس عدل الهی پاداش و کیفر انسان‌ها داده شود و همچنین خداوند مهر تأیید بر وعده‌های

خود بزند، که ارسال رسولان و تندیرو و تبشیر مردم کاری عبث و بیهوده انجام نگردهد تا سبب سستی طاعت بندگان در عبادت او شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸، ۲۲۱-۲۲۳)

این وعده‌ها همراه با تأکید آمده است زیرا در مقابل فردی که با قاطعیت حقیقت را انکار می‌کند باید با قاطعیت جواب گفت، تا آثار منفی روانی ناشی از انکار با اثبات محکم از بین برود، البته برای زدودن اثر کلی باید بصورت منطقی روشن ساخت که این انکار و نفی، از بی‌اطلاعی و نادانی است و این همان شیوه‌ای است که در سور مکی در تخاطب با مشرکان و کفار کاملاً مشهود است.

۲.۸. توصیف روز قیامت

بخش دیگر از وعده‌های الهی سور مکی مربوط به توصیف روز قیامت است؛ قرآن کریم در سوره تکویر به توصیف روز قیامت پرداخته است آیات نازل شده بر حال آن روز دلالت می‌کند «اذ الشمس کورت» آن زمان که خورشید از درخشش بیفتد و ستارگان بی‌فروغ شوند و شتران آبستن به حال خود رها شوند، حیوانات وحشی جمع شوند و دریاها مشتعل شوند و... خداوند همچنین وعده‌های داده بر برپایی آن روز و حال آنان که کافر شده بودند را به تصویر می‌کشد از جمله آیه شریفه ﴿وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ (انبیا/۹۷)؛ «آن وعده حق (قیامت) نزدیک شود پس ناگهان چشم کافران خیره شود گویند ای وای بر ما که از این روز در بی‌خبری سنگین قرار داشتیم بلکه ما ستمکار بودیم» این آیه به روز معاد اشاره می‌کند که کافران خود را از چنین روزی غافل نگه داشته‌اند و در آن روز فقط تأسف می‌خورند که خود مسبب ظلم به خویش‌ن گشته‌اند.

در توصیف قیامت این وعده قطعی نیز وجود دارد: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ﴾ (انبیا/۱۰۴)؛ «در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.» این جمله در واقع چند گونه تأکید در بردارد، واژه «وعد» و سپس تعبیر به «علینا» (بر ما) و سپس تأکید با «انا» و دیگر استفاده از فعل ماضی در «کنا» و همچنین کلمه «فاعلین» همگی بیانگر تأکید بر وقوع قیامت هستند. (همان: ۱۳، ۵۱۴)

۳.۸. وعده‌های خداوند در ارتباط با بهشت

خداوند در راستای اثبات وقوع معاد و قیامت در سور مکی، با انزال آیات بهشتی و عمل به وعده‌هایی که در باب توصیف بهشت آورده است، علاوه بر باورپذیر نمودن معاد، سعی در تشویق انسان‌ها به ایمان نموده است تا کافران از کجروی خود دست بردارند و عناد

و لجاجت را کنار بگذارند و انگیزه بهشت رفتن، آنان را بسوی ایمان هدایت کند. از جمله آیات شریفه ﴿قُلْ أَذَلِكِ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا﴾ (فرقان/۱۵)؛ «بگو آیا این آتش سوزان بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزگاران وعده دادند که پاداش بازگشت گاه آنان است.» و ﴿لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا﴾ (فرقان/۱۶)؛ «در آنجا هر چه بخواهند در آن جاودانه‌اند برای آن فراهم است. این بر عهده پروردگارت وعده‌ای است درخواست شده و مورد انتظار اهل ایمان از خدای بخشنده و کریم است.» از سیاق آیات قبلی خطاب، می‌توان اذعان نمود خداوند به مردم مکه که کافر و مشرک بودند ابتدا به توصیف جهنم پرداخته و جایگاه آنان را به سبب نافرمانی تعیین نموده و نیز در ادامه به توصیف بهشتی که مهیا داشته برای پرهیزکاران اشاره کرده است. و اگر وعده خود را با وصف «مسئولا- درخواست شده» توصیف کرد، به این جهت بود که متقین از پروردگار خود با زبان حال و استعداد، آن را خواسته بودند، و یا با زبان قال و دعاهای خود از درگاه پروردگارشان مسألت کرده بودند، و یا بدین جهت بود که ملائکه این درخواست را برای متقین کرده‌اند، همچنان که قرآن کریم درخواست ملائکه را چنین حکایت می‌کند: ﴿رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ﴾ و یا آنکه جهت آن، همه این درخواست‌ها بوده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵، ۱۹۰)

از دیگر وعده‌های خداوند که به بهشت پرداخته است آیه شریفه ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (زمر/۷۴) پرهیزکاران بعد از داخل شدن در بهشت، می‌گویند حمد خدایی را که به وعده خود وفا کرد، آن وعده‌ای که می‌داد که به زودی ما را داخل بهشت می‌کند. و یا آن وعده‌ای که می‌داد که به زودی بهشت را به ما به ارث می‌دهد، و ما در بهشت هر جایش که دلمان بخواهد مسکن خواهیم کرد و از این جمله اخیر به دست می‌آید که بهشتیان هر چه بخواهند در بهشت دارند. (همان: ۱۷، ۲۹۸)

۸. ۴. وعده جهنم و عذاب اخروی

از عذاب اخروی که خداوند در متن قرآن به کفار و مشرکان و گناهکاران وعده داده است به جهنم ترسناک یاد شده است به عنوان مثال سوختن در آتش جهنم، پوشیدن لباس‌هایی از آتش، نوشیدنی‌های تلخ و سوزان و غل و زنجیر شدن که تنها بخشی از عذاب‌های جهنم است که بدان وعده داده شده بود: ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/۴۴)؛ «بهشتیان دوزخیان را آواز دهند که ما آنچه را که پروردگار من به آن‌ها وعده داده بود حق یافتیم آیا شما هم آنچه پروردگارتان وعده داده بود حق یافتید گویند آری پس لعنت خدا بر ستمکاران باد.» آنچه از این آیه برداشت می‌شود این است که

برای آینده، ماضی بکار رفته است چرا که وقوع این جریان حتمی است. نکته دیگر اینکه: اهل بهشت، وعده بهشت را بخودشان مربوط می‌کنند، نه به کفار. گویی مقصودشان این است که خداوند فقط به ایشان وعده بهشت داده است نه به دیگران که اهل دوزخ هستند. سر این مطلب این است که خداوند بهشت را به شرط ایمان وعده مردم کرده است. پس کسانی که ایمان ندارند، به آن‌ها وعده‌ای داده نشده است؛ اما چرا اهل بهشت، این سؤال را از اهل دوزخ میکنند؟ علت این است که آن‌ها در دنیا مؤمنین را تکذیب می‌کردند و خود را رستگار می‌دانستند. در حقیقت این یک ضربه انتقامی است که از اهل بهشت بر اهل جهنم وارد میشود و بدین وسیله شادی و سرفرازی خود را ابراز میدارند و آن‌ها را شماتت می‌کنند و بر حسرتشان می‌افزایند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۹، ۱۱۲)

از مجموع این وعده‌های اخروی در سور مکی می‌توان تلاش قرآن کریم را در جهت ایمان آوردن به وعده‌ها دریافت؛ زیرا تا زمانی که ایمان به وعده‌ها محقق نگردد بیان وعده‌های الهی کارکردهای هدایتی خود را نخواهد داشت. بنابراین در مقابل اهل مکه یعنی مشرکان و کفار، اینگونه وعده‌های مرتبط با معاد که از اصول دین است، بسیار بیشتر از سور مدنی است.

۹. وعده‌های اخروی در سور مدنی

واژگان وعده در سور مدنی برخلاف سور مکی از بسامد کمتری برخوردار هستند و بیشتر وعده‌ها به سبب رفتار مخاطبان داده شده است. از آنجا که مخاطبان قرآن و پیامبر در مدینه و پس از هجرت، معاد را قبول داشتند وعده‌های اخروی به ویژه درباره اصل وقوع قیامت و معاد بسیار محدود ذکر شده است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۹.۱. وعده‌های خداوند درباره وقوع قیامت

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ﴾ (آل عمران/۹)؛ «پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند. (ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.» این سخن از راسخین در علم به منزله تعلیلی است که علت سؤال رحمت خود را بیان می‌کند، چون علم دارند به اینکه اقامه نظام خلقت و دعوت‌های دینی و تلاش انسان در مسیر وجودش همه مقدمه است برای جمع شدن در روز قیامت، روزی که هیچ چیزی به جز رحمت خدا به درد نمی‌خورد، و جز رحمت او یاوری نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳، ۳۰) پر واضح است که اعتقاد به وقوع معاد و وعده الهی در این آیه مسلم شمرده و به نوعی اعتراف راسخان در علم را بیان می‌کند گویا اینکه آنان پیش از این وعده قیامت را قبول کرده‌اند و اینک بدان اعتراف کرده و یادآور می‌شوند.

آیه دیگری که در مورد وقوع قیامت است در سوره رعد آمده است؛ با ذکر این نکته که

در مکی و مدنی بودن سوره رعد اختلاف است در ترتیب مصحف قرآن کنونی به عنوان مدنی محسوب شده در حالی که بیشتر تفاسیر از جمله تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳، ۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۰، ۱۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱، ۲۸۵) به قرینه سیاق و محتوای آیات آن را مکی می‌دانند ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلَّ اللَّهُ الْأَمْرَ جَمِيعًا فَلَمْ يُيَاسَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (رعد/۳۱)؛ «اگر بوسیله قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمین‌ها قطعه قطعه شوند، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آن‌ها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا به نزدیکی خانه آن‌ها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد به یقین خداوند در وعد خود تخلف نمی‌کند».

در آیه شریفه تهدید و وعید قطعی است برای کسانی که کفر ورزیدند به عذابی که هرگز برنمی‌گردد، و نیز در آن علائم و مقدمات آن عذاب ذکر شده، که یکی پس از دیگری بروز می‌کند تا خود آن عذاب موعود فرا رسد.

و معنای آیه این است که: همواره مصیبت‌های کوبنده بر سر اینها که به دعوت حقه تو کفر می‌ورزند بخاطر آنچه کردند و کفری که به رحمان ورزیدند می‌آید، و یا در نزدیکی‌های خانه‌شان فرود می‌آید. همواره بدین حال هستند؛ تا آنکه آن عذابی که خداوند وعده‌شان داده برسد، چون خدای تعالی خلف وعده نمی‌کند و گفتارش تغییر نمی‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱، ۳۵۹)

چنانچه پیش از این گذشت وعده‌های مربوط به اصل وقوع قیامت و معاد در سوره مکی آمده و این خود بهترین قرینه است که آیه یاد شده نیز در زمره سوره مکی قرار گیرد، زیرا با آن‌ها بیشتر هماهنگ است.

۹.۲. وعده بهشت به متقین

خداوند در قرآن کریم در سه مورد وعده مغفرت و اجر عظیم به متقین می‌دهد. (بقره/۲۶۷؛ مائده/۹؛ فتح/۲۹) در دو مورد (نساء/۹۵؛ حدید/۱۰) وعده نیکو داده که بهشت بهترین مصداق آن است و در نهایت در پنج مورد به صراحت وعده بهشت داده است. (نساء/۱۲۲؛ توبه/۷۲؛ توبه/۱۱۱؛ رعد/۳۵؛ محمد/۱۵)

با توجه به اینکه درجات انسان‌ها متفاوت است گروهی هستند که با ترس از قضاوت و عذاب الهی هدایت می‌شود گروهی با امید رسیدن به پاداش‌های اخروی در درجات بالاتر از ایمان و معرفت قرار می‌گیرند. لذا کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مطابق با آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾ (توبه/۱۱۱) وارد بهشت می‌شوند.

بررسی این آیات نشان می‌دهد از آنجا که مخاطب قرآن در مدینه مومنان و متقین هستند خداوند برای ترغیب آنان به امور نیکی مانند جهاد وعده بهشت را مطرح نموده تا با اشتیاق اعمال نیک را انجام دهند.

۱۰. وعده‌های دنیوی در سور مکی و مدنی

وعده‌های الهی از نوع دنیوی در سور مکی بیشتر در مورد قصص انبیاء گذشته و وعده عذاب دنیوی آنان (مانند اعراف/۷۷؛ هود/۳۲ و ۶۵؛ اسراء/۶۴؛ انبیاء/۹)، وعده فریب توسط ظالمان و شیطان (مانند فاطر/۴۰؛ اسراء/۶۴)، و وعده نصرت بنی اسرائیل (اسراء/۶۴ و ۱۰۴) است. چنانچه پیش از این گذشت ذکر داستان‌ها و قصص انبیاء از ویژگی‌های سور مکی است و بدیهی است که در ضمن آن‌ها وعده‌های عذاب در جهت عبرت‌پذیری مخاطبان قرآن و تحقق خارجی آن‌ها در بستر تاریخ صورت پذیرد.

در حالی که در سور مدنی وعده‌های مرتبط با جنگ‌ها (آل عمران/۱۵۲؛ انفال/۷؛ احزاب/۲۲؛ فتح/۲۰) وعده استخلاف بندگان صالح (نور/۵۵) وعده فریب و فقر توسط شیطان (بقره/۲۸؛ نساء/۱۲۰) آمده است. در دوران پس از هجرت و شکل‌گیری جامعه مدنی مسلمانان با وجود ایمان داشتن، با مخاطراتی از قبیل هجوم دشمنان بیرونی (کفار و مشرکان و یهودیان) و دشمن درونی (شیطان) مواجه بودند. پس هم‌نشینی واژگان وعده با اینگونه مسایل پیوند خورده تا استقامت و امیدواری مؤمنان را در پی داشته باشد که با جامعه مدینه و شرایط حاکم بر آن دوره هماهنگی دارد.

به عنوان نمونه وعده عذاب در سوره هود که مکی است بررسی می‌شود:

یکی از سنت‌های الهی سنت ابتلا یا عذاب‌های دنیوی است انسان‌ها بر اساس اعمال ناشایست خود مکافات و مجازات می‌شوند و این عامل سبب آن نمی‌گردد که در آخرت هیچ گونه عذابی نداشته باشند. البته قابل ذکر است که عذاب دنیوی بخشی از کیفر الهی است که به سبب اعمال و رفتار انسان‌ها داده می‌شود از جمله شواهدی که می‌توان نام برد، عبارت است از هلاک کردن قوم لوط، قوم ثمود و دیگر اقوام که به سبب نافرمانی از دستورات الهی گرفتار عذاب‌های دنیوی خداوند شدند طبق آیه ﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتُّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدٌ غَيْرٌ مَّكْذُوبٌ﴾ (هود/۶۵) «پس آن را [از روی طغیان و سرکشی] پی کردند. پس صالح گفت: سه روز [فرصت دارید که] در خانه‌هایتان از زندگی برخوردار باشید. این وعده‌ای بی‌دروغ است.» در داستان قوم ثمود یکی از بدترین آن قوم، شتر معجزه خداوند را پی کرد با وجود اینکه حضرت صالح وعده عذاب را به این قوم صادر کرده بود اما این کار انجام شد و خداوند به این قوم سه روز فرصت داد برای پشیمانی و توبه ولی هیچ گونه توبه‌ای صورت نگرفت و با وجود اینکه هر روز چهره قوم ثمود تغییری می‌کرد در روز اول زرد در روز دوم سرخ در روز سوم سیاه می‌شد که نشانگر وعده عذاب بود.

این موضوع بیان‌کننده این است که بین وعده و عذاب فاصله وجود دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۵۷ و ۱۵۸)

نمونه وعده‌های دنیوی خداوند در سوره مدنی مربوط به نصرت و یاری خداوند عبارتست از:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (احزاب/۲۲)؛ «(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود» این وعده‌ای که به آن اشاره کردند - به قول بعضی - عبارت بود از اینکه رسول خدا (ص) قبلاً فرموده بود به زودی احزاب علیه ایشان پشت بهم می‌دهند، و به همین جهت وقتی احزاب را دیدند، فهمیدند این همان است که آن جناب وعده داده بود. بعضی دیگر گفته‌اند: منظور از وعده مزبور آیه سوره بقره است، که قبلاً از رسول خدا (ص) شنیده بودند: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرِينَ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نَصْرَ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (بقره/۲۱۳) و می‌دانستند که به زودی گرفتار مصائبی می‌شوند، که انبیاء و مؤمنین گذشته بدان گرفتار شده، و در نتیجه دل‌هایشان دچار اضطراب و وحشت می‌شود و چون احزاب را دیدند یقین کردند که این همان وعده موعود است، و خدا به زودی یاریشان داده و بر دشمن پیروزشان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶، ۲۸۹)

نتیجه‌گیری

بررسی سبک‌شناختی واژگان وعد و وعید در آیات و سوره مکی و مدنی موارد ذیل را آشکار ساخت:

- از جهت کمی و آماری بسامد واژگان وعده در آیات و سوره مکی بیش از مدنی است.
- وعده‌های آیات مکی بیشتر در مورد قیامت و معاد است که امری اعتقادی است.
- لحن بیان وعده‌ها در آیات مدنی ملایم و نرم تر از آیات مکی است ضمن اینکه محتوای آن بیشتر دنیوی است تا اخروی، به عبارت دیگر وعده‌های آیات مدنی بیشتر امیدوارکننده است در حالی که وعده‌های آیات مکی بیشتر هشدار دهنده است.

تمام اینها بیانگر این است که قرآن کریم حرکت خود را ابتدا با محیط هماهنگ ساخته و واقعیات محیط را مورد توجه قرار داده است و با مردم با زبان مردم سخن گفته و با روش و اسلوب متعارف و موجود، ایده خود را پیاده کرده است مردم مکه مشرکان و کفار لجوج بودند که طرح وعده‌های محکم و هشداردهنده می‌طلبید و مردم مدینه مؤمنان و اهل کتابی بودند که طرح وعده‌های امیدوارکننده و ملایم و مشوق‌دهنده در هدایت سوق دادن آنها به رستگاری کارساز است.

کتابنامہ

- قرآن کریم، ترجمہ مکارم شیرازی
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ابوہلال عسکری، ۱۴۱۲، معجم فروق اللغویہ، قم: موسسہ نشراسلامی.
- بہار، محمد تقی، ۱۳۹۱، سبک شناسی، تہران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دہم.
- جواہری، سید محمد حسین، ۱۴۳۸، پرسمان علوم قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، چاپ ششم.
- راغب اصفہانی، حسین بن احمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: داوودی و صفوان عدنان، بیروت: دارالشامیہ، چاپ اول.
- رامیار، محمود، ۱۳۶۹، تاریخ قرآن، تہران: امیر کبیر، چاپ سوم.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۳، کلیات سبک شناسی، تہران: انتشارات فردوس، چاپ دوم.
- طالبیان، یحیی، ۱۳۷۹، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان: موسسہ عماد کرمانی، چاپ اول.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسہ اعلیٰ، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمہ: گروہ مترجمان، تہران: نشر فراہانی، چاپ اول.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسین، تہران: نشر مرتضوی، چاپ سوم.
- عبدالباقی، محمد فواد، ۱۴۲۵، المعجم المفہرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام، چاپ سوم.
- فتوحی، محمود، ۱۳۹۲، سبک شناسی، نظریہ ہا رویکردها و روش ہا، تہران: سخن.
- فضل، صلاح، ۱۹۹۸، علم الاسلوب، قاہرہ: دارالشروق، چاپ اول.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵، تفسیر صافی، تہران: انتشارات صدر، چاپ دوم.
- معرفت، محمد ہادی، ۱۳۸۶، تاریخ قرآن، تہران: سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ہا، چاپ نہم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونہ، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، چاپ نہم.

Bibliography

- The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi
- Ibn Ma'ar, Jamal al-Din Muhammad b. Mukarram, 1405, Lesan al-Arab, Beirut: Darahya al-Tarth al-Arabi, 1st edition.
- AbuHlal Al-Askari, 1412, Mu'ajm Forough al-Laghavia, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Bahar, Mohammad Taghi, 2012, Stylistics, Tehran: Amir Kabir Publications, 10th edition.
- Javaheri, Seyed Mohammad Hossein, 1438, Quranic Sciences Press, Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, 6th edition.
- Ragheb Esfahani, Hussein b. Ahmad, 1412, Singularat Al-Faz al-Qur'an, Research: Davoodi and Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Shamiyah, 1st edition.
- Ramyar, Mahmoud, 1990, History of the Quran, Tehran: Amir Kabir, 3rd edition.
- Shamisa, Cyrus, 1994, General Stylistics, Tehran: Ferdows Publications, 2nd edition.
- Talebian, Yahya, 2000, Tyre Khial in poetry of Khorasani style poets, Kerman: Imad Kermani Institute, 1st edition.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein, 2011, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Alamy Institute, 2nd edition.
- Tabarsi, Fazl b. Hasan, 1981, Majel al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Translation: Translators Group, Tehran: Farrahani Publications, 1st edition.
- Tarihi, Fakhr al-Din, 1996, Majel al-Bahrain, Research: Sayyid Ahmad Hassan, Tehran: Mortazavi Publications, 3rd edition.
- Abdul Baqi, Mohammad Fouad, 1425, Al-Mu'jam al-Mufahars La al-Faz al-Qur'an al-Karim, Qom: Navid Islam, 3rd edition.
- Fotouhi, Mahmoud, 2013, Stylistics, Theories of Approaches and Methods, Tehran: Sokhan.
- Fadl, Salah, 1998, Alam al-Aslob, Cairo: Dar al-Sharif, 1st edition.
- Faiz Kashani, Mulla Mohsen, 1415, Afsafi Commentary, Tehran: Sadr Publications, 2nd edition.
- Marefat, Mohammad Hadi, 2007, History of the Quran, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities, 9th edition.
- Makarem Shirazi, Naser, 1995, Exemplary commentary, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya, 9th edition.